

آینده برای آمریکا و ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ - شماره دو

پیام را خوردن

Jeff Pippenger

2023-08-24

درست پیش از آن که زمان آزمون به پایان رسد، فرمانی صادر می شود که «اقوال نبوت این کتاب را مهر مکن.»

اور اُس نے مجھ سے کہا، اس کتاب کی نبوت کی باتوں پر مہر نہ کر، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ جو ناراست ہے، وہ ناراست ہی رہے؛ اور جو ناپاک ہے، وہ ناپاک ہی رہے؛ اور جو راست باز ہے، وہ راست باز ہی رہے؛ اور جو مقدس ہے، وہ مقدس ہی رہے۔ مکاشفہ 22:10، 11

در باپ پنجم مکاشفہ، خدای پدر بر تخت خویش نشستہ است و در دست او کتابی است کہ به هفت مهر مهر شدہ است.

اور میں نے اُس کے دینے ہاتھ میں جو تخت پر بیٹھا تھا، ایک کتاب دیکھی جو اندر اور پشت پر لکھی ہوئی تھی، اور سات مہروں سے سریمہر تھی۔ مکاشفہ 5:1

چنان کہ روایت از آیہ نخست آغاز شدہ و تا فصل ہفتم ادامہ می یابد، درمی یابیم کہ عیسی، کہ بہ عنوان شیر سبط یہودا معرفی شدہ است، همان کسی است کہ کتاب را از دست پدر خویش می گیرد و مہرہا را بہ تدریج گشودہ می آغازد. ہنگامی کہ او مہر ششم را می گشاید و پیامی را کہ آن مہر نمایندگی می کند عرضہ می دارد، فصل ششم پایان می یابد. این فصل با پرسشی پایان می پذیرد کہ بہ فصل ہفتم راہ می برد؛ جایی کہ پاسخ پرسشی را می یابیم کہ در آخرین آیہ فصل ششم مطرح شدہ است.

زیرا روز عظیم غضب او فرا رسیدہ است؛ و کیست کہ بتواند بایستد؟ مکاشفہ ۶:۱۷.

فصل ہفتم، صد و چہل و چہار ہزار و «جماعت عظیم» را معرفی می کند. پس از آنکہ قوم خدا در فصل ہفتم ارائہ می شوند، آنگاہ می بینیم کہ مہر ہفتم و نہایی برداشتہ می شود. تنها نبوت دیگری در کتاب مکاشفہ کہ مہر شدہ است، ہفت رعد فصل دہم است. مقصود سادہ این است کہ تنہا نبوتی در کتاب مکاشفہ کہ مہر شدہ و می تواند پیش از بستہ شدن زمان آزمون گشودہ شود، «ہفت رعد» است.

سالہا، اگر نہ دہہ ہا، است کہ Future for America مشخص کردہ است کہ «ہفت رعد» نمایانگر چہ چیزی ہستند. «ہفت رعد» نمایانگر تاریخ جنبش میلری از 11 اوت 1840 تا 22 اکتبر 1844 است. خواہر وایت این واقعیت را تأیید می کند و می افزاید کہ «ہفت رعد» ہمچنین نمایانگر «رویدادہای آیندہ ای ہستند کہ بہ ترتیب خود آشکار خواہند شد.» عرضہ ای تفصیلی از این حقایق را، برای ہر کسی کہ با این واقعیات نبوی ناآشناست، می توان در Habakkuk's Tables یافت.

حقیقت ہفت رعد کہ در گذشتہ ارائہ شدہ بود، ہمچنان حقیقت است؛ اما از اوت امسال، خداوند دست خود را از این موضوعات برداشتہ و فہم بیشتری آشکار شدہ است. ما با فصل دہم مکاشفہ آغاز خواہیم کرد، سپس تفسیر خواہر وایت را بر این فصل بررسی خواہیم نمود. پیش از آن کہ چنین کنیم، باید دو نکتہ را کہ بہ بررسی ہفت رعد مربوط نیستند، مشخص سازیم.

نخستین نکتہ این است کہ شناسایی حقیقتِ ہفت رعد، کہ اکنون گشودہ شدہ است، مستلزم چندین رشتہ حقیقت است تا ہر آنچہ ہفت رعد نمایندگی می کنند در جای خود قرار گیرد۔ در اینجا، دعا می کنم، صبر مقدسان است۔ نکتہ دوم مرتبط با این موضوع آن است کہ برنامہ ای کہ ارائه صوتی این مقالات را تولید می کند، در مقدار زمانی کہ می تواند بخواند و بیان کند، محدودیتی دارد۔ ہر یک از مقالات باید در همان بازہ زمانی بگنجد۔ از آغاز این مطالعہ، شما را آگاہ می سازم کہ برای تثبیت حقیقتی کہ بہ وسیلہ ہفت رعد نمایانہ شدہ است، چند مقالہ لازم خواہد بود۔ اکنون بہ فصل دہم۔

اور میں نے ایک اور زور آور فرشتہ آسمان سے اترتے دیکھا، جو بادل اوڑھے ہوئے تھا؛ اور اس کے سر پر قوس قزح تھی، اور اس کا چہرہ گویا سورج تھا، اور اس کے پاؤں آگ کے ستونوں کی مانند تھے۔ اور اس کے ہاتھ میں ایک چھوٹی سی کتاب کھلی ہوئی تھی؛ اور اس نے اپنا دہنا پاؤں سمندر پر، اور بایں پاؤں زمین پر رکھا۔ اور وہ بڑی آواز سے پکارا، جیسے شیر دھاڑتا ہے؛ اور جب وہ پکار چکا تو ساتوں گرجوں نے اپنی اپنی آوازیں نکالیں۔ اور جب ساتوں گرجوں نے اپنی آوازیں نکالیں تو میں لکھنے ہی والا تھا؛ اور میں نے آسمان سے ایک آواز سنی جو مجھ سے کہہ رہی تھی، اُن باتوں پر مہر کر دے جو ساتوں گرجوں نے کہیں، اور انہیں نہ لکھ۔ اور جو فرشتہ میں نے سمندر اور زمین پر کھڑا دیکھا تھا، اس نے اپنا ہاتھ آسمان کی طرف اٹھایا، اور اُس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ ہے، جس نے آسمان اور جو کچھ اُس میں ہے، اور زمین اور جو کچھ اُس میں ہے، اور سمندر اور جو کچھ اُس میں ہے، سب کو پیدا کیا، کہ پھر مہلت نہ ہوگی۔ بلکہ ساتویں فرشتے کی آواز کے ایام میں، جب وہ نرسنگا پھونکنا شروع کرے گا، تو خدا کا بھید پورا ہو جائے گا، جیسا اُس نے اپنے بندوں یعنی نبیوں پر ظاہر کیا تھا۔ اور جو آواز میں نے آسمان سے سنی تھی، وہ پھر مجھ سے ہم کلام ہوئی اور کہنے لگی، جا، اُس فرشتے کے ہاتھ سے وہ چھوٹی کتاب لے لے جو سمندر اور زمین پر کھڑا ہے، اور کھلی ہوئی ہے۔ پس میں اُس فرشتے کے پاس گیا اور اُس سے کہا، وہ چھوٹی کتاب مجھے دے دے۔ اُس نے مجھ سے کہا، اسے لے لے اور کھا جا؛ یہ تیرے پیٹ کو کڑوا کرے گی، مگر تیرے منہ میں شہد کی مانند میٹھی ہوگی۔ چنانچہ میں نے وہ چھوٹی کتاب فرشتے کے ہاتھ سے لے لی اور اسے کھا گیا؛ اور وہ میرے منہ میں شہد کی مانند میٹھی تھی، اور جونہی میں نے اسے کھایا، میرا پیٹ کڑوا ہو گیا۔ پھر اُس نے مجھ سے کہا، تجھے بہت سی قوموں اور امتوں اور زبانوں اور بادشاہوں کے سامنے پھر نبوت کرنی ہے۔ مکاشفہ 10:1-11۔

در تفسیر فصل دہم، خواہر وایت می گوید:

”فرشتہ نیرومندی کہ یوحنا را تعلیم داد، کسی جز عیسی مسیح نبود۔ این کہ پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر خشکی نهاد، نشان می دهد نقشی را کہ او در صحنہ های پایانی نبرد عظیم با شیطان ایفا می کند۔ این وضعیت، قدرت و اقتدار برتر او را بر سراسر زمین می رساند۔ این کشمکش از عصری بہ عصر دیگر شدیدتر و قاطعانه تر شدہ است و تا صحنہ های اختتامی نیز چنین ادامہ خواہد یافت، زمانی کہ عملکرد استادانہ قوای ظلمت بہ اوج خود خواہد رسید۔ شیطان، در اتحاد با مردمان شریر، تمام جہان و کلیساهایی را کہ محبت حقیقت را نپذیرفتہ اند، فریب خواہد داد۔ اما آن فرشتہ نیرومند توجہ می طلبد۔ او با آواز بلند ندا می دهد۔ او باید قدرت و اقتدار صدای خود را بہ آنان کہ با شیطان متحد شدہ اند تا با حقیقت مخالفت ورزند، نشان دہد۔“

»پس از آن کہ این ہفت رعد صداہای خود را برآوردند، این فرمان بہ یوحنا دادہ می شود، همان گونه کہ درباره کتاب کوچک بہ دانیال دادہ شد: ”آنچہ را ہفت رعد گفتند، مہر کن۔“ این ہا بہ رویدادہای آیندہ مربوط می شوند کہ بہ ترتیب خود آشکار خواہند شد۔ دانیال در پایان ایام در نصیب خود خواہد ایستاد۔ یوحنا کتاب کوچک را گشودہ می بیند۔ آنگاہ نبوت های دانیال جایگاہ درست خود را در پیام های فرشتہ اول، دوم و سوم کہ باید بہ جہان دادہ شوند، می یابند۔ گشودہ شدن کتاب کوچک، همان پیام مربوط بہ زمان بود۔«

کتاب‌های دانیال و مکاشفه یکی هستند. یکی نبوت است و دیگری مکاشفه؛ یکی کتابی مَهرشده است و دیگری کتابی گشوده. یوحنا اسراری را که رعد‌ها بیان کردند شنید، اما به او فرمان داده شد که آنها را ننویسد.

«نور خاصی که به یوحنا داده شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از وقایعی بود که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم به وقوع می‌پیوست. صلاح نبود که مردم این امور را بدانند، زیرا ایمان ایشان ناگزیر می‌بایست آزموده شود. در ترتیب الهی، شگفت‌انگیزترین و پیشرفته‌ترین حقایق اعلام می‌شد. پیام‌های فرشته اول و دوم باید اعلام می‌گردید، اما پیش از آن که این پیام‌ها کار ویژه خود را به انجام رسانند، هیچ نور بیشتری نباید آشکار می‌شد. این امر به وسیله آن فرشته‌ای به تصویر کشیده شده است که یک پای خود را بر دریا نهاده، با سوگندی بس solemn اعلام می‌کند که دیگر زمانی نخواهد بود.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 971

«فرشته نیرومند»ی که در 11 اوت 1840 فرود آمد، مسیح بود، و در دست خود پیامی داشت که به یوحنا گفته شد آن را بخورد. آنچه یوحنا خورد، یک پیام بود؛ اما به طور مشخص پیامی بود که می‌بایست به قوم خدا رسانده شود، نه به جهان. مهم است که شناخته شود مخاطب مورد نظر در این متن چه کسانی هستند؛ زیرا هرچند مسیح در 11 اوت 1840 فرود آمد و بدین‌سان آغاز توان‌بخشی پیام فرشته اول را رقم زد، و در نتیجه مشخص ساخت که پیام فرشته اول چه زمانی به تمام جهان برده خواهد شد، کتابچه کوچکی که یوحنا می‌بایست بخورد، در حال مشخص کردن زمانی است که پروتستان‌تیسیم ردای پروتستان‌تیسیم را به میلری‌ها واگذار کرد. هنگامی که مسیح با آن کتابچه کوچک فرود آمد، او رابطه عهدی خود را با کلیسای برخاسته از بیابان به پایان می‌رساند و هم‌زمان مردم میلری را به‌عنوان قوم تازه‌برگزیده عهدی خود مشخص می‌کرد. میلری‌ها قومی بودند که پیش از آن قوم خدا نبودند. انبیا هرگز یکدیگر را نقض نمی‌کنند.

و او مرا گفت: ای پسر انسان، بر پای‌های خویش بایست، و من با تو سخن خواهم گفت. و چون با من سخن گفت، روح به اندرون من درآمد و مرا بر پای‌هایم برپا داشت، تا آن که گوینده با من را شنیدم. و مرا گفت: ای پسر انسان، تو را نزد بنی‌اسرائیل می‌فرستم، نزد امتی سرکش که بر من عصیان ورزیده‌اند؛ ایشان و پدران‌شان تا همین امروز بر من تعدی کرده‌اند. زیرا ایشان فرزندان بی‌شرم و سخت‌دل‌اند. تو را نزد ایشان می‌فرستم، و بدیشان خواهی گفت: خداوند یهوه چنین می‌فرماید. و ایشان، خواه بشنوند و خواه بازایستند، زیرا که خاندان عصیان‌اند. خواهند دانست که نبی‌ای در میان ایشان بوده است. و تو، ای پسر انسان، از ایشان مترس و از سخنان ایشان هراسان مباش، هرچند خارها و خسک‌ها با تو باشند و در میان کژدمان ساکن باشی؛ از سخنان ایشان مترس و از چهره‌های ایشان مشوش مباش، هرچند خاندان عصیان باشند. و تو کلام مرا بدیشان خواهی گفت، خواه بشنوند و خواه بازایستند، زیرا که ایشان غایت سرکشی‌اند. اما تو، ای پسر انسان، آنچه را من به تو می‌گویم بشنو؛ مانند آن خاندان عصیان، سرکش مباش؛ دهان خویش را بگشا و آنچه را به تو می‌دهم بخور. و چون نگریستم، اینک دستی به سوی من فرستاده شد، و اینک طومار کتابی در آن بود؛ و آن را پیش روی من گشود، و از درون و برون نوشته شده بود؛ و در آن مراثنی و ماتم و وای نوشته بود. و نیز مرا گفت: ای پسر انسان، آنچه را می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو با خاندان اسرائیل سخن بگو. پس دهان خود را گشودم، و او آن طومار را به من خورانید. و مرا گفت: ای پسر انسان، شکم خویش را بخوران و اندرون خویش را از این طوماری که به تو می‌دهم پر کن. پس آن را خوردم، و در دهانم از جهت شیرینی چون عسل بود. و مرا گفت: ای پسر انسان، برو، به سوی خاندان اسرائیل روانه شو و با کلام من با ایشان سخن بگو. زیرا تو نزد قومی با زبان بیگانه و گفتاری دشوار فرستاده نشده‌ای، بلکه نزد خاندان اسرائیل؛ نه نزد اقوام بسیار با زبان بیگانه و گفتاری دشوار که سخنان ایشان را نتوانی فهمید. یقیناً اگر تو را نزد ایشان فرستاده بودم، به تو گوش می‌دادند. اما خاندان اسرائیل به تو گوش نخواهند داد، زیرا به

من گوش نمی‌دهند؛ زیرا تمامی خاندان اسرائیل بی‌شرم و سخت‌دل‌اند. اینک من روی تو را در برابر روی‌های ایشان نیرومند ساخته‌ام، و پیشانی تو را در برابر پیشانی‌های ایشان استوار گردانیده‌ام. پیشانی تو را چون الماس، سخت‌تر از سنگ چخماق ساخته‌ام؛ از ایشان مترس و از چهره‌های ایشان مشوش مباش، هرچند خاندان عصیان باشند. و نیز مرا گفت: ای پسر انسان، همه سخنانی را که به تو خواهم گفت، در دل خویش بپذیر و با گوش‌های خویش بشنو. حزقیال ۱۲:۱-۱۰:۳

समान के मधु में मुंह "उसके वह तो, लिया खा लेकर ने यूहन्ना जसै, उतरे साथ के पुस्तक छोटी उस मसीह जब और, यहजेकल लिया। संदेश एक से" हाथ "के मसीह ने दोनों—यहेजकेल और प्रकटकर्ता यूहन्ना थी।" मीठी लिए। के वालों बाहर के इस्राएल कनि, था संदेश एक लिए के" घराने के इस्राएल, "भी पास के यूहन्ना इसलिए क्योंकि; नहीं इस्राएल परन्तु, लेते कर ग्रहण उसे वे तो, होता सुना को संदेश उस ने वालों बाहर के इस्राएल यदि वदिरोही तरह पूरी") घराना सारा ("घराना पूरा का इस्राएल है।" हृदय-कठोर और ढीठ" "घराना सारा "का इस्राएल गया कथिा प्रस्तुत में रूप के कलीसिया की जंगल में दस अध्याय प्रकाशतिवाक्य को इस्राएल में 1840 सन् था। था। दिया भर कटोरा का समय के जाने परखे अपने उन्होंने था।

اگرچه این پیام از سوی اسرائیل شنیده نمی‌شد، با این حال به نبی فرمان داده شد که پیام کتاب کوچک را به ایشان برساند، تا به سبب ردّ نور فرشته اول مسئول شناخته شوند. در کتاب‌های داوری، ایشان می‌بایست به سبب امتناع از شنیدن پیام آن «نبی» که «در میان ایشان» بوده است، مسئول شناخته شوند. ردّ نبی، ردّ پیامی است که از سوی فرشته جبرائیل به نبی داده شده بود، و او خود آن پیام را از مسیح دریافت کرده بود، و مسیح آن را از پدر دریافت کرده بود. هنگامی که مسیح با پیام کتاب کوچک در دست خویش فرود آمد، این با زمانی که روح‌القدس در تعمید او نازل شد، موازات داشت. این امر به‌وسیله موسی در بوته مشتعل از پیش به تصویر کشیده شده بود، و همان نشانه راه دقیقاً مشابهی است که در هر جنبش اصلاحی وجود دارد.

«کار خدا بر روی زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح عظیم یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر از خود نشان می‌دهد. اصول رفتار خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. حرکت‌های مهم زمان حاضر، همانندهایی در گذشته دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین، برای زمان ما درس‌هایی بس گران‌بها در بر دارد.» جلال عظیم، 343.

زوال برتری عثمانی در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، (که همان زمانی است که یوحنا و حزقیال کتاب کوچک را که در «دست» مسیح بود خوردند)، نشانگر «قدرت‌یافتن» پیام فرشته اول است که در سال ۱۷۹۸، در «زمان آخر»، «فرا رسیده» بود. این پیام با تأیید مهم‌ترین قاعده نبوی میلری‌ها؛ یعنی اصل یک روز در برابر یک سال، «قدرت یافت». سپس مسیح آغاز کرد به برپا داشتن شالوده هیکل میلری، همان‌گونه که در تعمید خویش کرده بود.

«ایمان متزلزل ناتنائیل اکنون استوار شد، و او در پاسخ گفت: "ای ربی، تو پسر خدا هستی؛ تو پادشاه اسرائیل هستی." عیسی در جواب او فرمود: "آیا از آن‌رو ایمان می‌آوری که به تو گفتم تو را زیر درخت انجیر دیدم؟ چیزهایی بزرگ‌تر از این خواهی دید." و بدو گفت: "آمین، آمین، به شما می‌گویم، از این پس آسمان را گشوده خواهید دید، و فرشتگان خدا را که بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند."»

«در این چند شاگرد نخستین، بنیاد کلیسای مسیحی به‌واسطه تلاش فردی نهاده می‌شد. یوحنا نخست دو تن از شاگردان خود را به سوی مسیح هدایت کرد. سپس یکی از ایشان برادری را می‌یابد و او را نزد مسیح می‌آورد. آنگاه او فیلیپس را فرا می‌خواند تا از وی پیروی کند، و او در جست‌وجوی نتنائیل برمی‌آید.» روح نبوت، جلد ۲، ۶۶.

ہنگامی کہ مسیح در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ با کتاب کوچک گشودہ در دست خود فرود آمد، این رویداد در جنبش اصلاحی تاریخ زمینی مسیح از پیش بہ تصویر کشیدہ شدہ بود، زیرا ہر جنبش اصلاحی همان نشانہای را یکسان را داراست۔ موسی و جنبش اصلاحی ای کہ او رہبری کرد نیز همان نشانہ را داشتند۔ تجربہ موسی در بوٹہ سوزان، نزول روح القدس را در تعمید مسیح نمونہ وار می ساخت؛ و آن نیز بہ نوبہ خود ۱۸۴۰ را نمونہ وار می ساخت، کہ آن نیز بہ نوبہ خود ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را نمونہ وار می سازد، زمانی کہ فرشتہ نیرومند مکاشفہ ہجدہ فرود آمد۔

«آمدن» پیام فرشتہ اول، و «آمدن» پیام فرشتہ دوم و «آمدن» پیام فرشتہ سوم، ہمگی بہ وسیلہ فرشتگان نمایش دادہ شدہ اند۔ فرشتہ اول کتابی کوچک در دست دارد، فرشتہ دوم نوشتہ ای در دست داشت، و فرشتہ سوم طوماری در دست داشت۔ ہر گواہی دو یا سہ تن، حقیقتی استوار می گردد۔ ہر سہ فرشتہ، خواہ در ہنگام آمدنشان و خواہ در ہنگام اقتدار یافتنشان، پیامی در دست دارند۔

یوحنا اور حزقی ایل اُن لوگوں کی نمائندگی کرتے ہیں جنہوں نے اُس پیغام کو قبول کیا جب پہلے فرشتے کا پیغام "بااختیار" کیا گیا، جو اُس تاریخی نشان راہ سے مختلف ہے جب پہلے فرشتے کا پیغام 1798 میں "پہنچا" تھا۔

تفاوت میان «رسیدن» یک پیام و «اقتدار یافتن» آن، تمایزی است بس مهم کہ باید بدان توجہ کرد۔ ہنگامی کہ بہ فراز زیر می نگریم، توجہ داشتہ باشید کہ ہدف فرشتہ اول، با ہدف آن فرشتہ در مکاشفہ ہجدہ کہ زمین را با جلال خویش منور می سازد، یکسان است۔ ہمچنین توجہ کنید کہ ہر پیام، انشاقی پدید می آورد و دو طبقہ از پرستندگان را بہ وجود می آورد۔

«مرا علاقہ ای کہ تمامی آسمان بہ کاری کہ بر زمین در جریان بود داشت، نشان دادہ شد۔ عیسی فرشتہ ای نیرومند [فرشتہ اول] را مأمور ساخت تا فرود آید و ساکنان زمین را ہشدار دہد کہ خود را برای ظہور دوم او آمادہ سازند۔ چون آن فرشتہ حضور عیسی را در آسمان ترک گفت، نوری بس درخشان و جلال مند پیشاپیش او می رفت۔ بہ من گفتہ شد کہ مأموریت او این بود کہ زمین را با جلال خویش روشن سازد و انسان را از غضب آیندہ خدا آگاہ کند۔ انبوهی نور را پذیرفتند۔ برخی از ایشان بسیار جدی می نمودند، حال آنکہ دیگران شادمان و سرمست بودند۔ ہمہ آنان کہ نور را پذیرفتند، روی خود را بہ سوی آسمان گردانیدند و خدا را تمجید کردند۔ ہرچند این نور بر ہمہ تابیدہ شد، بعضی تنہا تحت تأثیر آن قرار گرفتند، اما آن را از صمیم دل نپذیرفتند۔ بسیاری از خشم عظیمی آکندہ شدند۔ خادمان و مردم با فرومایگان متحد شدند و با سرسختی در برابر نوری کہ از فرشتہ نیرومند تابیدہ بود مقاومت کردند۔ اما ہمہ آنان کہ آن را پذیرفتند، از جہان کنارہ گرفتند و بہ گونه ای نزدیک با یکدیگر متحد شدند۔»

«شیطان و فرشتگانہاں با جدیت بسیار مشغول بودند تا ذہن ہر چہ بیشتر مردم را از نور منحرف سازند۔ جماعتی کہ آن را رد کردند، در تاریکی واگذاشتہ شدند۔ دیدم کہ فرشتہ خدا با عمیق ترین علاقہ بر قوم معترف خود نظارت می کرد، تا منش و خصلتی را کہ آنان در ہنگام عرضہ شدن پیامی با منش آسمانی از خود بروز می دادند، ثبت کند۔ و چون بسیاری از آنان کہ مدعی محبت بہ عیسی بودند، با تمسخر، استہزا، و نفرت از پیام آسمانی روی پرتافتند، فرشتہ ای با طوماری در دست، آن ثبت شرم آور را نوشت۔ تمام آسمان از خشم آکندہ شد، زیرا عیسی بدین گونه از سوی پیروان معترف خود خوار شمردہ شدہ بود۔»

”میں نے بھروسہ رکھنے والوں کی مایوسی دیکھی، کیونکہ انہوں نے اپنے خداوند کو متوقع وقت پر نہ دیکھا۔ خدا کا مقصد یہ تھا کہ مستقبل کو پوشیدہ رکھے اور اپنی قوم کو فیصلہ کے مقام تک لے آئے۔ مسیح کی آمد کے لیے معین وقت کی منادی کے بغیر، وہ کام جو خدا نے مقصود ٹھہرایا تھا، انجام نہ پاتا۔ شیطان بہت سے لوگوں کو اس طرف لے جا رہا تھا کہ وہ عدالت اور مہلت آزمائش کے

اختتام سے وابستہ عظیم واقعات کو مستقبل بعید میں دیکھیں۔ ضروری تھا کہ لوگوں کو اس حال کی تیاری کے لیے سنجیدگی سے جستجو کرنے پر لایا جائے۔

«با گذشت زمان، کسانی که نور فرشته را به طور کامل نپذیرفته بودند با آنان که پیام را خوار شمرده بودند متحد شدند، و با تمسخر بر ضد نومیدشدگان برخاستند. فرشتگان وضعیت پیروان معترف مسیح را ثبت کردند. سپری شدن زمان معین آنان را آزموده و محک زده بود، و بسیاری بسیار در ترازو سنجیده شده و ناقص یافت شدند. آنان با صدای بلند ادعا می کردند که مسیحی اند، اما تقریباً در هر موردی از پیروی مسیح فرو می ماندند. شیطان از وضعیت پیروان معترف عیسی به وجد آمد.»

«و آنان را در دام خود گرفتار کرده بود. او اکثریت را به ترک راه راست کشانده بود، و ایشان می کوشیدند از راهی دیگر به آسمان بالا روند. فرشتگان دیدند که پاکان و مقدسان با گناهکاران صهیون و با ریاکاران دنیا دوست درهم آمیخته اند. آنان بر شاگردان حقیقی عیسی دیده بانی کرده بودند؛ اما فاسدان بر مقدسان اثر می گذاشتند. آنان که دل هایشان با اشتیاقی سوزان برای دیدن عیسی مشتعل بود، از سوی برادران معترف خویش از سخن گفتن درباره آمدن او منع می شدند. فرشتگان آن صحنه را مشاهده کردند و با آن باقی ماندگانی که ظهور خداوند خود را دوست می داشتند، همدردی نمودند.»

«فرشته ای زور آور دیگر [فرشته دوم] مأمور شد تا به زمین فرود آید. عیسی نوشته ای در دست او نهاد، و چون به زمین آمد، ندا درداد: "بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است." سپس بار دیگر دیدم که مایوس شدگان چشمان خود را به آسمان برمی افرازند و با ایمان و امید در انتظار ظهور خداوند خویش اند. اما بسیاری چنان می نمودند که در حالتی ابلهانه، گویی در خواب، باقی مانده اند؛ با این همه، می توانستم نشان اندوهی عمیق را بر چهره هایشان ببینم. مایوس شدگان از روی کتب مقدس دریافته اند که در زمان تأخیر به سر می برند و باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که ایشان را در سال 1843 بر آن داشته بود تا در انتظار خداوند خویش باشند، ایشان را بر آن می داشت که در سال 1844 نیز چشم به راه او باشند. با این حال، دیدم که اکثریت از آن نیرو و حرارتی که ایمانشان را در سال 1843 متمایز می ساخت، برخوردار نبودند. نومییدی ایشان ایمانشان را فرو نشانده بود.»

«هنگامی که قوم خدا در فریاد فرشته دوم متحد شدند، لشکر آسمانی با عمیق ترین علاقه تأثیر آن پیام را زیر نظر داشت. آنان دیدند که بسیاری از کسانی که نام مسیحی را بر خود داشتند، با تمسخر و استهزا به کسانی روی آوردند که نومید شده بودند. چون این سخنان از لب های استهزاکننده فرو می افتاد که: «هنوز بالا نرفته اید!» فرشته ای آن را نوشت. فرشته گفت: «ایشان خدا را مسخره می کنند.» توجه من به گناهی مشابه که در زمان های باستان واقع شده بود، معطوف گردید. ایلیا به آسمان برده شده بود، و ردای او بر الیشع افتاده بود. آنگاه جوانان شریر، که از والدین خود آموخته بودند مرد خدا را خوار بشمارند، در پی الیشع افتادند و با تمسخر فریاد زدند: «ای کل کچل، بالا برو؛ ای کل کچل، بالا برو.» آنان با این گونه اهانت به خادم او، به خدا اهانت کردند و همان جا و در همان زمان به سزای خود رسیدند. به همین سان، کسانی که اندیشه بالا رفتن مقدسان را به ریشخند و تمسخر گرفته اند، گرفتار غضب خدا خواهند شد، و بر آنان معلوم خواهد گردید که بازی کردن با آفریدگار خویش امری سبک نیست.»

عیسی فرشتگان دیگری را مأمور ساخت تا به سرعت پرواز کنند و ایمان پژمردۀ قوم او را احیا و تقویت نمایند و ایشان را آماده سازند تا پیام فرشته دوم و حرکت مهمی را که به زودی در آسمان انجام می شد، درک کنند. دیدم که این فرشتگان قدرت و نور عظیمی از عیسی دریافت کردند و به سرعت به سوی زمین پرواز نمودند تا مأموریت خود را در یاری رساندن به فرشته دوم در کارش به انجام رسانند. نوری عظیم بر قوم خدا تابید، آنگاه که فرشتگان ندا دردادند: «اینک داماد می آید؛

به استقبال او بیرون آید.» سپس دیدم که این مایوس‌شدگان برخاستند و هماهنگ با فرشته دوم اعلام کردند: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آید.» نور برخاسته از فرشتگان، تاریکی را در همه‌جا شکافت. شیطان و فرشتگانش کوشیدند مانع گسترش این نور و تحقق اثر مقصود آن شوند. آنان با فرشتگان آسمان مجادله می‌کردند و به ایشان می‌گفتند که خدا مردم را فریب داده است، و اینکه با همه نور و قدرت خود نیز نمی‌توانند جهان را به این باور برسانند که مسیح در حال آمدن است. اما با وجود آنکه شیطان می‌کوشید راه را مسدود سازد و ذهن‌های مردم را از نور منحرف کند، فرشتگان خدا به کار خود ادامه دادند....

«چون خدمت عیسی در مکان مقدّس به پایان رسید و او به اقدس‌الاقداص داخل شد و در برابر تابوت حاوی شریعت خدا ایستاد، فرشته‌ای زورآور دیگر را با پیامی سوم به جهان فرستاد. طوماری در دست آن فرشته نهاده شد، و چون او با قدرت و جلال به زمین فرود آمد، هشدار هولناک را اعلام کرد، با سهمگین‌ترین تهدیدی که هرگز به انسان رسانده شده بود. این پیام برای آن مقرر شده بود که فرزندان خدا را بر حذر دارد، به واسطه اینکه ساعت وسوسه و تنگی‌ای را که در پیش روی ایشان بود به آنان نشان دهد. فرشته گفت: «آنان به نبردی سخت با وحش و تصویر او کشانده خواهند شد. تنها امید ایشان به حیات جاودانی این است که استوار بمانند. هرچند جان ایشان در خطر است، باید به حقیقت چنگ زنند و آن را محکم نگاه دارند.» فرشته سوم پیام خود را بدین‌گونه به پایان می‌رساند: «در اینجا صبر مقدّسان؛ اینانند آنان که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند.» چون این کلمات را تکرار کرد، به مقدّس آسمانی اشاره نمود. اذهان همه آنان که این پیام را می‌پذیرند، به اقدس‌الاقداص متوجه می‌شود، جایی که عیسی در برابر تابوت ایستاده است و شفاعت نهایی خود را برای همه کسانی به‌جا می‌آورد که رحمت هنوز برای ایشان درنگ می‌کند، و نیز برای آنان که از روی نادانی شریعت خدا را شکسته‌اند. این کفاره هم برای مردگان عادلّی که مرده‌اند و هم برای زندگان عادلّی که زنده‌اند به‌جا آورده می‌شود. این شامل همه کسانی است که با اعتماد به مسیح درگذشتند، اما چون نور مربوط به احکام خدا را دریافت نکرده بودند، در تعدی از فرایض آن از روی نادانی گناه ورزیده بودند.» Early Writings, 245-254

چند صفحه بعد در همان کتاب، در پرداختن به همان مفاهیمی که همین‌اکنون به آن‌ها اشاره شد، خواهر وایت تصریح می‌کند که رد سه پیام در تاریخ میلریتی، در تاریخ مسیح به‌صورت نمونه پیشگویی شده بود. او در آنجا دو شاهد ارائه می‌کند که فرایندی تدریجی از آزمون را مشخص می‌سازند؛ فرایندی که مستلزم پیروزی در هر آزمون است تا بتوان به آزمون بعدی پیش رفت.

«من جماعتی را دیدم که نیکو محافظت‌شده و استوار ایستاده بودند و به کسانی که می‌خواستند ایمان استوار بدن را متزلزل سازند، هیچ مجال و اعتباری نمی‌دادند. خدا با خشنودی بر آنان نظر افکند. سه گام به من نشان داده شد—پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم. فرشته‌ای که همراه من بود گفت: "وای بر کسی که از این پیام‌ها سنگی را جابه‌جا کند یا سوزنی را تکان دهد. فهم درست این پیام‌ها اهمیتی حیاتی دارد. سرنوشت جان‌ها به نحوه‌ای که این پیام‌ها پذیرفته می‌شوند، وابسته است." بار دیگر از خلال این پیام‌ها به پایین برده شدم و دیدم که قوم خدا تجربه خود را به چه بهای گرانی به دست آورده بودند. این تجربه از رهگذر رنج بسیار و کشمکش سخت حاصل شده بود. خدا آنان را گام‌به‌گام هدایت کرده بود تا آنکه ایشان را بر سکوی استوار و تغییرناپذیر قرار داده بود. دیدم اشخاصی به آن سکو نزدیک شدند و بنیاد آن را بررسی کردند. برخی با شادمانی بی‌درنگ بر آن گام نهادند. برخی دیگر آغاز به عیب‌جویی از بنیاد کردند. آنان خواهان آن بودند که اصلاحاتی در آن صورت گیرد، آنگاه سکو کامل‌تر می‌بود و مردم بسیار خوشحال‌تر. بعضی از سکو پایین آمدند تا آن را بررسی کنند و اعلام کردند که نادرست بنا شده است. اما دیدم که تقریباً همه بر آن سکو استوار ایستاده بودند و کسانی را که از آن پایین آمده بودند، ترغیب می‌کردند که از شکایت‌های خود دست بردارند؛ زیرا خدا معمار اعظم بود و آنان بر ضد او

می‌جنگیدند. آنان کار شگفت‌انگیز خدا را که ایشان را به آن سکوی استوار رسانده بود، باز می‌شمردند و در اتحاد، چشمان خود را به سوی آسمان برمی‌افراشتند و با آوازی بلند خدا را تمجید می‌کردند. این امر بر برخی از کسانی که شکایت کرده و سکو را ترک گفته بودند اثر گذاشت، و آنان نیز با سیمایی فروتن بار دیگر بر آن گام نهادند.»

«توجه دوباره به اعلام آمدن نخست مسیح جلب شد. یوحنا در روح و قدرت ایلیا فرستاده شد [به مثابه نماد پیام فرشته اول] تا راه عیسی را آماده سازد. کسانی که شهادت یوحنا را رد کردند، از تعالیم عیسی [به مثابه نماد پیام فرشته دوم] بهره‌مند نشدند. مخالفت آنان با پیامی که آمدن او را پیشگویی می‌کرد، ایشان را در وضعیتی قرار داد که نتوانند به آسانی قوی‌ترین شواهد را مبنی بر این‌که او مسیح بود، بپذیرند. شیطان کسانی را که پیام یوحنا را رد کرده بودند، پیش راند تا باز هم فراتر روند و مسیح را رد کنند و به صلیب کشند [به مثابه نماد پیام فرشته سوم]. با این کار، خود را در جایی قرار دادند که نتوانند برکت روز پنتیکااست را [به مثابه نماد فرشته مکاشفه هجده] دریافت کنند؛ همان برکتی که راه ورود به قدس آسمانی را به آنان می‌آموخت. دریده شدن پرده هیكل نشان داد که قربانی‌ها و فرائض یهودی دیگر پذیرفته نخواهد شد. قربانی عظیم تقدیم شده و پذیرفته شده بود، و روح‌القدس که در روز پنتیکااست نازل شد، اذهان شاگردان را از قدس زمینی به قدس آسمانی، جایی که عیسی با خون خود داخل شده بود، منتقل ساخت تا فواید کفاره خود را بر شاگردانش جاری سازد. اما یهودیان در تاریکی کامل باقی ماندند. آنان تمامی نوری را که می‌توانستند درباره نقشه نجات داشته باشند، از دست دادند و همچنان بر قربانی‌ها و هدیه‌های بی‌ثمر خود اعتماد کردند. قدس آسمانی جای قدس زمینی را گرفته بود، با این همه ایشان از این تغییر هیچ آگاهی نداشتند. از این رو، نمی‌توانستند از شفاعت مسیح در مکان مقدس بهره‌مند شوند.»

«بسیاری با وحشت به رفتار یهودیان در رد کردن و مصلوب ساختن مسیح می‌نگرند؛ و هنگامی که تاریخ بدرفتاری شرم‌آور با او را می‌خوانند، می‌پندارند که او را دوست می‌داشتند، و همچون پطرس او را انکار نمی‌کردند و همچون یهودیان او را مصلوب نمی‌ساختند. اما خدایی که دل‌های همگان را می‌خواند، آن محبتی را که مدعی بودند نسبت به عیسی احساس می‌کنند، به آزمایش آورده است. تمام آسمان با ژرف‌ترین علاقه، نحوه پذیرش پیام فرشته اول را نظاره می‌کرد. اما بسیاری که اقرار می‌کردند عیسی را دوست دارند، و هنگام خواندن سرگذشت صلیب اشک می‌ریختند، بشارت آمدن او را به ریشخند گرفتند. به جای آنکه پیام را با شادی بپذیرند، اعلام کردند که فریبی بیش نیست. آنان کسانی را که ظهور او را دوست می‌داشتند دشمن داشتند و ایشان را از کلیساها بیرون راندند. کسانی که پیام اول را رد کردند، نمی‌توانستند از پیام دوم بهره‌مند شوند؛ و از فریاد نیمه‌شب نیز بهره‌ای نبردند، فریادی که قرار بود ایشان را آماده سازد تا به وسیله ایمان، همراه با عیسی، به قدس‌الاقداس قدس آسمانی وارد شوند. و با رد کردن آن دو پیام پیشین، فهم خود را چنان تیره ساخته‌اند که هیچ نوری را در پیام فرشته سوم، که راه ورود به قدس‌الاقداس را نشان می‌دهد، نمی‌توانند ببینند. دیدم که همان‌گونه که یهودیان عیسی را مصلوب کردند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را مصلوب کرده‌اند، و از این رو هیچ شناختی از راه ورود به قدس‌الاقداس ندارند، و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. مانند یهودیانی که قربانی‌های بی‌ثمر خود را تقدیم می‌کردند، آنان نیز دعا‌های بی‌ثمر خود را به آن بخشی تقدیم می‌کنند که عیسی آن را ترک کرده است؛ و شیطان که از این فریب خشنود است، سیمایی دینی به خود می‌گیرد، و ذهن این مسیحیان مدعی را به سوی خود می‌کشاند، و با قدرت خود، آیات خود، و عجایب دروغین خود عمل می‌کند تا ایشان را در دام خویش استوار سازد.»

Early Writings, 258–261

مقاطع کتاب Early Writings بارها Future for America کی خدمتگزاری کے ذریعے سکھائی گئی ہیں۔ لیکن ایسی صداقتیں ہیں جن کی یہ مقاطع توضیح کرتی ہیں اور جو نظر انداز رہی ہیں۔

نشان‌های راه تاریخ جنبش میلری بر پایه چندین جنبش اصلاحی در کتاب مقدس استوار شده است. بدون آشنایی‌ای هرچند اندک با نشان‌های راهی که در هر جنبش اصلاحی یافت می‌شود، بسیار بعید است که کسی اهمیت تمایز میان زمانی را که یک پیام «می‌رسد» و زمانی را که «قدرت می‌یابد» درک کند. همچنین محتمل است که بسیاری از کسانی که با جنبش‌های اصلاحی موازی آشنایند، برخی از ویژگی‌های بسیار مهم نشان‌های راه گوناگون جنبش‌های اصلاحی را از نظر دور داشته باشند.

«هفت رعد» که نمایانگر رویدادهای آغاز آدونتیسم و نیز رویدادهای پایان آدونتیسم است، همان نوری است که اندکی پیش از بسته شدن زمان آزمون گشوده می‌شود. به ما گفته شده است که «هفت رعد» هم نمایانگر «ترسیمی از رویدادهایی است که در ذیل پیام‌های فرشته اول و دوم به وقوع می‌پیوست»، و هم نمایانگر «رویدادهای آینده‌ای که به ترتیب خود آشکار خواهند شد». «هفت رعد» امضای آلفا و امگا را در خود دارند.

«ترسیم وقایع»ی که «در زیر پیام‌های فرشته اول و دوم» رخ داد، نمونه وقایعی است که در زیر پیام فرشته سوم رخ می‌دهد. هنگامی که به یوحنا فرمان داده شد آنچه را هفت رعد گفتند ننویسد، آن فرمان به وسیله فرمانی که به دانیال داده شد تا کتاب خود را مهر و موم کند، نمونه‌سازی شده بود؛ زیرا به ما اطلاع داده شده است که پس از آن که «هفت رعد آوازهای خود را برآوردند، همان دستور به یوحنا می‌رسد که در خصوص کتاب کوچک به دانیال رسید: "آنچه را هفت رعد گفتند، مهر کن."»

ایزکیل و یوحنا هر دو چنین به تصویر می‌کشند که قوم خدا در هنگام توانمندسازی فرشته اول در سال ۱۸۴۰، پیام را خوردند؛ و نبی، ارمیا، آن نومییدی‌ای را به تصویر می‌کشد که در میان قوم خدا رخ داد، هنگامی که پیام فرشته اول چنین نمود که به شکست انجامیده است.

کلام تو یافت شد و آن را خوردم؛ و کلام تو برای من شادی و وجد دل من گردید، زیرا که من به نام تو نامیده شده‌ام، ای یهوه، خدای لشکرها. در مجلس استهزاکنندگان ننشستم و شادمانی ننمودم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم لیریز ساخته‌ای. چرا درد من جاودانه است و زخم من علاج‌ناپذیر، که از شفا یافتن سر باز می‌زند؟ آیا تو برای من به تمامی همچون دروغی خواهی بود، و مانند آبهایی که فرو می‌مانند؟ پس یهوه چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را باز خواهم آورد، و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانبها را از بی‌ارزش جدا سازی، همچون دهان من خواهی بود؛ ایشان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد. و تو را برای این قوم دیوار برنجین حصارداری خواهم ساخت؛ و با تو خواهند جنگید، اما بر تو چیره نخواهند شد، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و رهایی بخشم، یهوه می‌گوید. و تو را از دست شریران خواهم رهانید، و از کف هراس‌انگیزان فدیة خواهم داد. ارمیا ۱۵:۱-۲۱

ارمیا نیز، همان‌گونه که یوحنا و حزقیال، سخنان آن کتاب کوچک را یافته بود، و او نیز آن پیام را خورده بود؛ اما آن پیام به پیامی بدل شده بود (آبی) که از کار افتاده بود. چنان می‌نمود که گویی خدا دروغ گفته است، که البته محال است؛ اما این اتهام «دروغ» کلید آن را فراهم می‌آورد که جایگاه ارمیا را در نخستین نومییدی میلری، که در حقوق به تصویر کشیده شده بود، تشخیص دهیم.

بر برج دیده‌بانی خود خواهم ایستاد، و بر برج مستقر خواهم شد، و دیده‌بان خواهم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم چه پاسخ دهم. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها به روشنی نقش کن، تا هر که آن را می‌خواند بشتابد. زیرا رؤیا هنوز برای زمان معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد بود؛ اگرچه درنگ نماید، منتظرش باش، زیرا یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. حقوق ۱:۲-۳

رؤیای پیام فرشته نخست بر نقشه پیشگامان ۱۸۴۳ نوشته شد؛ نقشه‌ای که به «دست» خدا هدایت شده بود.

visto que la carta de 1843 fue dirigida por la mano del Señor, y que no debía ser 74» alterada; que las cifras eran como Él quería que fuesen; que Su mano estaba sobre ella y ocultó un error en algunas de las cifras, de modo que nadie pudiera verlo, hasta que Su mano fue retirada». Primeros Escritos, 74»

«زمان مقرر» 1843 بر روی نمودار به تصویر کشیده شده بود، و از همین رو آن را نمودار 1843 می‌نامند. این نمودار در سال 1842 منتشر شد، در تحقق فرمان مندرج در حقوق که می‌گوید: «رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها واضح بساز.» رؤیا می‌بایست بر «لوح‌ها»، به صورت جمع، واضح ساخته می‌شد؛ و بدین‌سان این امر دلالت می‌کند بر اینکه پس از آنکه خداوند دست خود را از خطای موجود در نمودار 1843 برداشت، آن خطا در نمودار پیشگامان 1850 اصلاح گردید. آن خطا نخستین نومییدی را پدید آورد، و ارمیا نمایانگر کسانی است که در 11 اوت 1840 کتابچه کوچک را خورده بودند و هنگامی که زمان مقرر 1843 به انجام نرسید، نومید شدند.

جب یرمیاہ نے 1840 میں وہ چھوٹی کتاب کھائی تو وہ اُس کے دل کی "خوشی اور شادمانی" تھی، لیکن جب مایوسی کا وقت آیا تو وہ پھر "شادمان" نہ رہا، اور وہ خدا کے "ہاتھ" کے سبب "اکیلا بیٹھا"۔ خدا کے ہاتھ نے "اعداد میں بعض غلطی" کو ڈھانپ رکھا تھا، جس کے باعث یرمیاہ نے اس امکان پر غور کیا کہ شاید خدا نے جھوٹ کہا ہو۔ یرمیاہ کو یہ وعدہ دیا گیا تھا کہ اگر وہ اپنی دل شکستگی سے "باز آئے" تو خدا یرمیاہ کو اپنا "منہ" بنائے گا۔ اگر یرمیاہ اپنی مایوسی سے خدا کی طرف رجوع کرتا اور یہ پہچان لیتا کہ وہ دس کنواریوں کی تمثیل کے توقف کے وقت میں ہے، تو خدا اُسے اپنا ترجمان بناتا تاکہ وہ ٹھیک ٹھیک ظاہر کرے کہ رویا کب پوری ہونی چاہیے اور پھر مزید توقف نہ کرے۔

غرض از طرح این حقایق در اینجا، این است که ثابت شود در همه پیام‌های فرشتگان، «آمدن‌ها» و «توان‌بخشی‌ها» ی آنان، پیامی مرگ و حیات را عرضه می‌کند که دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد. آن سه فرشته، سه گام از یک فرایند تدریجی آزمون هستند. آنچه برای نکته مورد نظر ما مهم‌تر است، این است که هرچند فهم هفت رعد اندکی پس از فرا رسیدن «زمان آخر» در سال 1989، هنگامی که شش آیه آخر دانیال گشوده شد و پایان داوری را اعلام کرد، شناخته شد، با این حال در پایان تاریخ فرشته سوم، گشودگی دیگری از هفت رعد نیز وجود دارد.

تاریخ آغاز آدونتیسیم با گشوده شدن مہر فرشتہ اول در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود، و با گشوده شدن حقیقتی به پایان می‌رسد کہ خداوند دست خود را بر آن نہادہ بود تا مایہ پدیدآمدن نومییدی ای شود. سپس دست خود را برداشت (مہر را گشود)، و پیام زمان تأخیر را آشکار ساخت.

تاریخ پایان ادونتیسیم از گشوده شدن مہر پیام فرشتہ سوم در سال ۱۹۸۹ آغاز می‌شود، و با گشوده شدن مہر حقیقتی پایان می‌یابد کہ خداوند دست خود را بر آن نگاہ داشتہ بود تا موجب نومییدی ای گردد. او اکنون دست خود را برمی‌دارد، و بدین‌سان پیام نخستین نومییدی و زمان تأخیر را از مہر بیرون می‌آورد. او هدف ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را از مہر بیرون می‌آورد.

پس خداوند چنین می‌فرماید: اگر بازگشت نمایی، آنگاه تو را باز خواهم آورد، و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گران‌بها را از بی‌ارزش جدا سازی، همچون دھان من خواهی بود؛ ایشان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد. و تو را برای این قوم حصار از برنج خواهم ساخت؛ و با تو جنگ خواهند کرد، اما بر تو چیرہ نخواهند شد؛ زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و رھایی بخشم، خداوند می‌فرماید. و تو را از دست شیران خواهم رھانید، و از دست هولناکان فدیہ خواهم داد. ارمیا 15:21-21.